

بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب آوری شهروندان در برابر بلایای طبیعی با نقش میانجی سرمایه معنوی (مطالعه‌ای در استان کرمان)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23453915.1402.12.1.12.6>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

محمد قاسمی^{۱*}، اسماء صالحی نودز^۲

۱- دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (m_ghasemi@mgmt.usb.ac.ir)

۲- دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش مدیریت منابع انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

چکیده

یکی از خطراتی که در طول قرون مختلف حیات جوامع بشری را تهدید کرده است وقوع بلایای طبیعی است که در صورت عدم آگاهی و نداشتن آمادگی، صدمات غیرقابل جبرانی را به ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها اعم از حوزه‌های سکونت، اجتماعی و زیست‌محیطی وارد می‌سازد. توجه به برنامه‌ها و اصول کاهنده این بلایا و همچنین اثرات بلندمدت آنها در کشور ایران که از کشورهای مستعد بلایای طبیعی است، ضروری به نظر می‌رسد. رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور امروزه جایگاه ویژه‌ای را در بین جوامع پیدا کرده و می‌توان از آن برای ارتقای تاب‌آوری شهروندان استفاده کرد. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب‌آوری شهروندان استان کرمان در برابر بلایای طبیعی با نقش میانجی سرمایه معنوی است. روش تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش اجرا توصیفی - پیمایشی مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شهروندان استان کرمان به تعداد ۳۱۶۴۷۱۸ نفر در نظر گرفته شد که بر اساس فرمول کوکران و با احتساب خطای ۰/۰۵ تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد که روایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و پایایی با روش پایایی ترکیبی سنجیده و مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار اسمارت PLS نسخه ۳ استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد متغیر مدیریت بحران اجتماع محور با ضریب تأثیر ۰/۴۵ اثر مثبت و معناداری بر تاب‌آوری شهروندان دارد. همچنین سرمایه معنوی ضمن اثر مثبت و معنادار بر تاب‌آوری شهروندان، در رابطه بین مدیریت بحران اجتماع محور و تاب‌آوری نقش میانجی را ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت بحران اجتماع محور، تاب‌آوری شهروندان، سرمایه معنوی، استان کرمان

Investigating the Impact of Community-Based Crisis Management on Citizens Resilience Against Natural Disasters with the Mediating Role of Spiritual Capital (A Study in the of Kerman Province)

Mohammad Ghasemi^{1*}, Asma Salehi Nodez²

1. Assoc. Prof., Dept. of Public Administration, Faculty of Management and Economics, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (m_ghasemi@mgmt.usb.ac.ir)

2. Ph.D. Student of Public Administration-Human Resources Management, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Abstract

One of the dangers that have threatened the life of human societies throughout the centuries is the occurrence of natural disasters, which, in case of lack of awareness and lack of preparation, cause irreparable damage to various dimensions of human life, including residential, social and environmental areas. make It seems necessary to pay attention to the programs and principles of mitigating these disasters as well as their long-term effects in Iran, which is one of the countries prone to natural disasters. Today, the community-based crisis management approach has found a special place among societies and can be it used to improve the resilience of citizens. The purpose of this research is to investigate the impact of community-based crisis management on the resilience of citizens of Kerman province against natural disasters with the mediating role of spiritual capital. The research method is based on the applied goal and based on the descriptive-survey implementation method based on structural equation modeling. The statistical population of the research included all the citizens of Kerman province in the number of 3164718 people, based on Cochran's formula and taking into account the error of 0.05, 384 people were selected as the sample size by simple random method. In order to collect information, a questionnaire tool was used, and the validity of the questionnaires was measured and confirmed using confirmatory factor analysis and reliability using the combined reliability method. In order to analyze the data, structural equation modeling method was used in Smart PLS version 3 software environments. The results of data analysis with the structural equation modeling approach show that the community-oriented crisis management variable has a positive and significant effect on the resilience of citizens with an impact factor of 0.45. Also, spiritual capital, while having a positive and meaningful effect on the resilience of citizens, plays a mediating role in the relationship between community-based crisis management and resilience.

Keywords: Community-Based Crisis Management, Citizens' Resilience, Spiritual Capital, Kerman Province.

۲۲۸

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه

علمی و پژوهشی



بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب‌آوری شهروندان در برابر بلایای طبیعی ... / محمد قاسمی

۱- مقدمه

حوزه‌های سکونت، اجتماعی، زیست‌محیطی و ... همواره تحت تأثیر بلایای طبیعی صدمات جبران‌ناپذیری را متحمل شده‌اند؛ بلایا تأثیر منفی بر افراد و جوامع می‌گذارند، بروز اختلالات روانی را افزایش داده و از کیفیت زندگی شهروندان می‌کاهد [۱]. از سوی دیگر عدم آگاهی و نداشتن آمادگی لازم در برخورد با حوادث بر صدمات ناشی از آن می‌افزاید [۲]. در واقع بحران‌های طبیعی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های بشر علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه هستند [۳]، چراکه این کشورها به دلیل ضعف ساختاری و نهادی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به بلایای طبیعی دارند [۴]، به‌گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود بلایا و عواقب ناشی از آن، در بیست سال آتی حدود ۸۰۰ میلیون نفر در دنیا را تحت تأثیر قرار داده و باعث مرگ بسیاری از افراد و البته خسارات اقتصادی فراوان شود [۵].

این امر موجب ایجاد تحولات گسترده در نگرش شهروندان و مسئولان جوامع نسبت به برخورد با بلایای طبیعی شده است. به‌گونه‌ای که تمرکز آنها از مدیریت بحران به‌عنوان فرایندی پس از وقوع حادثه به حوزه‌های دیگر نظیر پیش‌گیری از بحران و برنامه‌ریزی قبل از وقوع تغییر یافته است [۶]. در واقع در سال‌های اخیر شاهد تغییر نگرش‌های مرتبط با مدیریت بحران بوده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که شهروندان به‌جای رهایی از بلایا به فکر کنار آمدن با آن افتاده‌اند [۷]. تغییر در سیاست‌های مقابله با بلایای طبیعی را در جدول ۱ می‌توان نشان داد.

رویکرد مدیریت بحران اجتماع‌محور ۱ به‌عنوان رویکرد نوین برخورد با بلایای طبیعی با در نظر گرفتن شهروندان به‌عنوان عامل اصلی اتخاذ تصمیم و مشارکت آنها در تمامی فرایندها اعم از برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و ... به دنبال

توانمندسازی و توان‌افزایی در مردم بوده و بر پیش‌گیری قبل از وقوع تأکید دارد [۴]. در پژوهش‌های سنتی مدیریت بحران، جوامع اغلب از نظر فضایی، به‌عنوان گروه‌هایی از مردم که در یک منطقه زندگی می‌کنند یا نزدیک به خطرات یکسانی هستند در نظر گرفته می‌شوند. این تعریف مکان‌گرا سایر ابعاد مهم جامعه را که مربوط به علایق، ارزش‌ها، فعالیت‌ها و ساختارهای مشترک است نادیده می‌گیرد [۹]. از سوی دیگر جوامع پیچیده و اغلب متحد نیستند. یک جامعه ممکن است در درون خود جامعه دیگری داشته باشد و افراد می‌توانند به‌طور هم‌زمان با توجه به عواملی نظیر موقعیت مکانی، شغل، وضعیت اقتصادی، جنسیت، مذهب یا علایق تفریحی عضو چندین جامعه باشند [۱۰]. علاوه بر این، جوامع پویا هستند: افراد ممکن است برای اهداف مشترک به یکدیگر بپیوندند و پس از دستیابی به آنها از هم جدا شوند [۱۱]. مفهوم جامعه که در رویکرد مدیریت بحران اجتماع‌محور لحاظ می‌شود مفهومی بسیار گسترده‌تر از آنچه ذکر شد را در برمی‌گیرد؛ جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از مردم تعریف می‌شود که در یک منطقه خاص زندگی می‌کنند یا از طریق علایق، عقاید و شرایط مشترک از نظر اجتماعی در ارتباط هستند. بر اساس این مفهوم‌سازی، رویکردهای جامعه به راه‌هایی اشاره دارد که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها می‌توانند در مدیریت بلایای طبیعی مشارکت داشته و در نتیجه مدیریت مؤثرتر بحران را تسهیل کنند [۱۲].

مفهوم اساسی مدیریت بحران اجتماع‌محور تلاش برای افزایش ظرفیت جوامع برای آماده شدن و مقابله با اثرات بلایای طبیعی است. از آنجاکه دولت‌ها منابع محدودی (منابع انسانی، بودجه، تدارکات و ...) در اختیار دارند، مدیریت بلایا باید جهانی شود و همه ذی‌نفعان اعم از دولتی،

۲۲۹

شماره ۲۲

بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوفصلنامه
علمی و پژوهشی



شهروندان در برابر بلایای طبیعی ... / محمد قاسمی
تأثیر مدیریت بحران اجتماع‌محور بر تاب‌آوری

جدول ۱- مقایسه پارادایم سنتی و پارادایم جدید نسبت به مدیریت بحران [۸].

پارادایم سنتی	پارادایم جدید
بلايا به خاطر خشم خداوند و وسیله‌ای برای مجازات بشر است پس انسان کاری در مقابل آن نمی‌تواند انجام دهد.	بلايا ممکن است انسان‌ساخت بوده و دست‌درازی‌های انسان نسبت به طبیعت موجب آن شده باشد.
تأکید بر رویه‌های کوتاه‌مدت	افزایش انتظارات و توجه به رویکرد بلندمدت
تأکید بر تصمیم‌گیری فردی و پذیرش بی‌چون‌وچرا	تأکید بر جامعه محلی و نهادهای مردم‌نهاد
عدم مشارکت شهروندان	مشارکت شهروندان

خصوصی و مدنی را درگیر کند. به‌گونه‌ای که هر سه مؤلفه پیش‌گفته باید نقشی برابر و البته اصلی را ایفا کنند. این دیدگاه معتقد است بهبود جامعه تنها از طریق مشارکت کلیه شهروندان حاصل می‌شود. اهمیت مشارکت جوامع محلی به این دلیل است که شهروندان منطقه، موقعیت محلی خود را به بهترین شکل می‌شناسند و هیچ فرد خارج از منطقه نمی‌تواند به‌اندازه آنها فرصت‌ها و تهدیدهای محلی را درک کند [۱۳].

استفاده‌ی دولت‌های محلی از مشارکت شهروندان برای کاهش و واکنش در برابر بحران چیز جدیدی نیست. داوطلب شدن شهروندان برای مقابله با بلايا، به دلیل کمبود نیروی متخصص، به جنگ جهانی دوم برمی‌گردد [۱۴]. به‌طور رسمی در سال ۲۰۰۵ استراتژی بین‌المللی سازمان ملل برای کاهش بلايا، چارچوب اقدام هیوگو ۲ را ایجاد کرد. چارچوب هیوگو یک رویکرد استراتژیک و سیستماتیک برای انعطاف‌پذیری کشورها و جوامع در برابر بلايا و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از حوادث با تأکید بر رویکرد پایین به بالا است [۱۵]. ابرین و اکفه ۳ (۲۰۱۴)، نیز با بیان اینکه شهروندان منبع کلیدی و بازیگر خط مقدم رویکردهای مبتنی بر جامعه هستند، مشارکت مبتنی بر رویکرد پایین به بالا را به‌عنوان عاملی برای پیشگیری، کاهش و واکنش مؤثر به استرس، شوک‌ها و رویدادهای بالقوه دانستند. البته آنها بیان کرده‌اند در سازگاری و توانمندی شهروندان در برابر بلايای طبیعی هر دو

رویکرد از بالا به پایین و از پایین به بالا لازم و به‌نوعی مکمل هم هستند [۱۶].

درمجموع اهداف مدیریت بحران اجتماع‌محور عبارت‌اند از: افزایش آگاهی و آمادگی جامعه به‌ویژه در مناطق مستعد بلايای طبیعی، تقویت توانایی جامعه برای رویارویی با بلايا، توسعه سازمان‌های محلی مطابق با منطقه آسیب‌دیده، افزایش دانش عمومی از طریق آموزش بحران و همچنین افزایش آگاهی عمومی در مورد احتمال وقوع فاجعه ناشی از فعالیت‌های انسان‌ساخت دانسته است [۱۷]؛ بنابراین با به‌کارگیری این رویکرد جوامع قادر خواهند بود به‌جای اینکه منتظر دولت‌ها یا حتی سازمان‌های غیردولتی باشند، در مدیریت بلايا به‌صورت پیشگیرانه عمل کرده و استراتژی‌هایی را متناسب با موقعیت خود به‌کارگیرند [۱۷]. لینل ۴ (۲۰۱۳)، نیز معتقد است اگر مقامات، افراد و جوامع در مناطق مستعد خطر به‌خوبی آماده عمل باشند و به دانش و ظرفیت‌های مدیریت مؤثر بلايا مجهز باشند، می‌توان تأثیرات و تلفات را به میزان قابل‌توجهی کاهش داد [۱۸]؛ اما پیاده‌سازی رویکرد مدیریت بحران اجتماع‌محور مستلزم در نظر گرفتن الزاماتی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

- جامعه محلی نقش محوری در مدیریت بلايای بلندمدت و کوتاه‌مدت دارد و بنابراین تمرکز توجه در مدیریت بحران باید بر جامعه محلی باشد.
- کاهش آسیب‌پذیری پایه و اساس

رویکرد اجتماع محوری است. راهبرد اولیه برای کاهش آسیب پذیری، افزایش ظرفیت‌های جامعه و منابع آن و بهبود و تقویت استراتژی‌های مقابله با آن است.

• مدیریت بحران اجتماع محور با فرایندهای توسعه مرتبط است بنابراین باید منجر به بهبود کیفیت زندگی اکثریت قریب به اتفاق فقرا و محیط طبیعی شود.

• رویکرد اجتماع محوری به توانمندسازی افراد کمک می‌کند تا از نظر فیزیکی ایمن بوده، دسترسی و کنترل بیشتر به منابع داشته و در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، مشارکت داشته باشند.

• جامعه باید مستقیماً در کل فرآیند مدیریت بحران - از تجزیه و تحلیل موقعیتی گرفته تا برنامه‌ریزی و اجرا - مشارکت داشته باشد.

• رویکرد مدیریت بحران اجتماع محور یک چارچوب در حال تحول و پویا است و از این رو بر اجرای آن باید نظارت، ارزیابی صورت گیرد. جوامع بایستی تجارب کسب شده در اجرای این رویکرد را به اشتراک گذاشته و به غنی‌سازی بهتر آن بپردازند [۱۳].

درواقع رویکرد اجتماع محوری گذار از مفاهیم آسیب پذیری به تاب‌آوری ۵ را توصیه می‌کند و تقویت توانایی مردم در برابر سوانح طبیعی و مصنوعی را مورد توجه قرار می‌دهد [۱۹]. در طی زمان تغییرات زیادی در مفهوم واژه‌ی تاب‌آوری ایجاد شده است. این مفهوم از زمان پیدایش آن در دهه ۱۸۵۰ میلادی تاکنون به یکی از مهم‌ترین موضوعات در ادبیات معاصر در حیطه سازگاری و کاهش آسیب پذیری تبدیل شده است. همچنین در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۹۰ به ترتیب در روانشناسی و بوم‌شناسی انسانی به کار گرفته شد [۲۰]. علوم اجتماعی، تاب‌آوری را به‌عنوان

فرآیندی پویا با محوریت انسان در نظر می‌گیرند که ظرفیت سیستم‌های مختلف (نظیر اجتماعی، حکومتی، اقتصادی) را برای جذب اثرات نامطلوب افزایش می‌دهد [۲۱].

درواقع محققان علوم اجتماعی دیدگاه تاب‌آوری را برای مطالعه سازگاری جوامع انسانی در برابر بلایای طبیعی و آسیب‌پذیری‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند؛ زیرا مخاطرات طبیعی مهم‌ترین نیروهای خارجی هستند که تاب‌آوری سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی را تهدید می‌کنند. این مفهوم اغلب به معنای بازگشت به گذشته به کار می‌رود که برگرفته از ریشه resilio است. در بسیاری از رشته‌های مختلف نشان‌دهنده ظرفیت به حالت اولیه برگشتن یا بازیابی است. [۲۲] اگرچه واژه تاب‌آوری دارای تاریخی طولانی در ادبیات و روانشناسی است اما در ادبیات مربوط به تغییرات محیطی و مخاطرات اولین بار توسط هولینگ ۶ در سال ۱۹۷۳ به کار گرفته شد [۲۳]. وی تاب‌آوری را به معنای توانایی اکوسیستم برای حفظ ویژگی‌های اساسی عملکردی در هنگام برخورد با بحران تعریف می‌کند [۲۴].

درواقع تاب‌آوری در سطوح فردی و اجتماعی تمایل به تحلیل واکنش نسبت به یک رویداد ناگهانی، فاجعه‌بار و همچنین قدرت و توانایی افراد برای بازگشت به شرایط قبل از بحران تعریف می‌شود [۲۵]؛ بنابراین سیستمی که تاب‌آور است نشان‌دهنده کاهش احتمالات شکست؛ کاهش پیامدهای ناشی از شکست؛ پیامدها و آسیب‌های ناشی از شرایط منفی اقتصادی و اجتماعی است [۲۶]. تاب‌آوری می‌تواند هم مفهومی هنجاری و هم توصیفی باشد [۲۷].

در سال‌های اخیر تعاریف متعددی از این واژه مطرح شده است و امروزه برای تقویت جوامع و استفاده از ظرفیت‌های آن مورد توجه قرار گرفته است [۲۸]. واردکر و همکاران (۲۰۲۰)،

تاب آوری را به عنوان اعتماد به نفس و توانایی ذاتی مردم در رسیدگی به مشکلات و همچنین بازیابی سریع برای تعادل در برابر تحولات و سازگاری بر تغییرات می دانند [۲۶]. ریبرو و گنزالس ۸ (۲۰۱۹)، معتقدند یک سیستم تاب آور باید همواره از طریق توانایی های خود و چهار مؤلفه اصلی تاب آوری (مقاومت، بهبودی، سازگاری و تحول) مورد ارزیابی قرار گیرد و سطح تاب آوری اش مشخص شود [۲۹].

پیت و گلسون ۹ (۲۰۱۸)، تاب آوری را عوامل محافظتی می دانند که افراد، جوامع و سیستم ها را قادر می سازد تا اثرات شوک را کاهش داده و امکان بازیابی را فراهم آورد [۳۰]. لی و همکاران ۱۰ (۲۰۱۸)، معتقدند تاب آوری یک دیدگاه منحصر به فرد برای تشخیص پاسخ سیستم به حوادث طبیعی یا انسانی ارائه می دهد و همچنین می توان گفت تاب آوری پاسخ به تغییرات ناگهانی سیستم های اجتماعی و زیست محیطی است [۳۱]. به طور کلی تاب آوری مشتمل بر سه رویکرد مفهومی پایداری، بازیابی و گذار است؛ که در آن رویکرد پایداری با دیدگاه اکولوژیکی معتقد است که تاب آوری به معنای تحمل یا جذب اختلال و بازگشت به حالت قبل است. رویکرد بازیابی در ارتباط با توانایی جامعه برای بازگشت به گذشته از تغییر یا عامل فشار و برگشت به حالت اولیه آن است. رویکرد گذار نیز بیشتر در ارتباط با تاب آوری اجتماعی و ظرفیت جامعه برای واکنش به تغییر است که به جای بازگشت ساده به حالت قبل می تواند به معنای تغییر به حالت جدید باشد [۳۲].

دیدگاه های مرتبط با تاب آوری شامل دو دیدگاه است: دیدگاه ایستا و دیدگاه پویا. دیدگاه ایستا تاب آوری را توانایی احیا کردن و تجدید نیرو، جایی که فرد بعد از موقعیت استرس زا و پیش بینی نشده باز می ایستد، در نظر می گیرد. مکتب فکری پویا که نگرشی ماورای ترمیم ساده

پس از شوک ها دارد بر هماهنگی مستمر بر تغییر و ایجاد فرصت های جدید تأکید دارد [۳۳]. آنچه در مورد تاب آوری باید مورد توجه قرار گیرد توانایی و ظرفیت جذب اختلال و خطر، توانایی سازگاری با تغییر و بهبود است. به طور کلی می توان گفت جامعه تاب آور توانایی تحمل شوک ها و ضربه های وارده از یک خطر به گونه ای که آن خطر ها تبدیل به سانحه نشود و در عین حال توانایی برگشت به وضعیت عادی در حین و پس از سانحه و همچنین امکان و فرصت برای سازگاری در برابر تغییرات را دارد [۳۴].

مشخص کردن رابطه تاب آوری در برابر بلایای طبیعی به نحوی با تأثیر توانمندی های اجتماعی، اقتصادی، نهادی، سیاسی و اجرایی جوامع ارتباط دارد [۳۵]. یکی از مفاهیمی که در بهبود تاب آوری جوامع مؤثر بوده و زمینه اجرای هر چه بهتر رویکرد اجتماع محوری را موجب می شود مفهوم سرمایه معنوی ۱۱ است. با ورود به هزاره سوم و عصر جهانی شدن، اساس و مبنای رقابت از دارایی های ملموس به دارایی های ناملموس و غیرمادی تغییر کرده است.

مفهوم سرمایه معنوی که ریشه در رویکردهای فرهنگی و اجتماعی دارد در ۱۰ سال اخیر برجسته شده است [۳۶]. موسسه متانکسوس ۱۲ در سال ۲۰۰۳ به عنوان اولین تعریف، آن را تأثیر اعمال مذهبی، باورها، ارتباطات و ارزش ها که دارای قابلیت اندازه گیری بر رفتار افراد و جوامع است، تعریف کرد. یک سال پس از اولین تعریف، زوهر و مارشال ۱۳ (۲۰۰۴)، اولین کتاب در این حیطه را منتشر کردند و آغاز سرمایه معنوی به عنوان یک گفتمان در حال ظهور را رقم زدند. آنها سرمایه معنوی را میزان دانش دینی و تخصص در دسترس برای یک فرد یا یک فرهنگ که دربرگیرنده ارزش ها و اهداف اساسی است دانستند [۳۷].

عده ای از محققین سرمایه معنوی را به

تمایلات شخصی انسان‌ها نسبت داده و آن را دربرگیرنده اعتقاد درونی به وجودی بزرگ‌تر و قوی‌تر از خود (خداوند)، نیاز به انسجام باهم نوع، توجه به اخلاقیات و... می‌دانند [۳۶]؛ اما عده‌ای دیگر نظیر لیو ۱۴ (۲۰۱۲)، سرمایه معنوی را دارای سه عنصر معنویت، دین‌داری و رفاه شخصی می‌دانند [۳۸].

منظور از معنویت فرآیندهای ذهنی نظیر جستجوی معنای وجودی، متعالی و قدسی و منظور از دین‌داری نظامی از عقاید یا تعهدات ایدئولوژیک است [۳۹]؛ بنابراین معنویت به جنبه شخصی و دین‌داری به جمعی بودن سرمایه معنوی اشاره دارد [۴۰]. نکته دیگری که در بحث سرمایه معنوی مطرح می‌شود دیدگاه بیکر و اسکینر ۱۵ (۲۰۰۶) است. آنها معتقدند باوجود اینکه سرمایه معنوی با دین رابطه فعال دارد اما محدود به افراد و سازمان‌هایی با هویت مذهبی خاص نیست؛ بنابراین می‌توان گفت که سرمایه دینی موجب تحقق سرمایه معنوی همان جامعه می‌شود و ممکن است برای جوامع دیگر پذیرفته نشود [۴۱]. سرمایه معنوی در علوم مختلف نیز با رویکردهای متفاوتی نمایان شده است؛ در زمینه رهبری و مدیریت به گفته زوهر و مارشال (۲۰۰۴)، به تلاش برای رساندن مفهوم فردی هوش معنوی به سطح سازمان اشاره داد [۳۷]. کاربرد سرمایه معنوی در حوزه اقتصاد به دنبال تلاش برای ارزیابی ارزش معنویت و دین از لحاظ اقتصادی است [۴۲]. از منظر جامعه‌شناسی می‌توان از طریق تحلیل عقاید پل بوردیو ۱۶ به سرمایه معنوی رسید [۴۳].

در الهیات نیز از طریق درک تأثیر ایمان به خداوند در ارتقای عملکرد تبیین می‌شود [۴۴]. تعاریف متعدد و متفاوت ارائه‌شده از سرمایه معنوی نشان می‌دهد سازگاری کمی در این مفهوم وجود دارد و در مورد اینکه دقیقاً معنای

عبارات معنویت و سرمایه چیست، توافق کمی در بین محققین وجود دارد. در مجموع و به‌طور کلی می‌توان گفت سرمایه معنوی به معنای آگاهی از توانایی‌ها، شناخت پتانسیل‌های موجود در محیط، توانایی دیدن مسائل و مشکلات از ابعاد مختلف، درک ارزش‌های والای انسانی، داشتن حس همدلی و درک انسان‌های دیگر، احترام به تفاوت‌های موجود در انسان‌ها با اعتقاد به هدفمند بودن این تفاوت‌ها، توانایی بهره‌برداری از تفاوت‌ها و درنهایت توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت و داشتن نگرش برد-برد در تمام سطوح زندگی است [۴۵].

فهم و درک سرمایه معنوی و مؤلفه‌های آن در بلائیای طبیعی ابه این دلیل که بشر همواره دغدغه پرداختن به معنویات را دارد از تأثیرگذاری زیادی برخوردار بوده و به‌نوعی می‌تواند در سازگاری جامعه آسیب‌دیده مؤثر واقع شود. وجود سرمایه معنوی می‌تواند زمینه اتحاد و به‌هم‌پیوستگی جامعه را خلق و منافع گروهی افراد را تضمین نماید. در جامعه‌ای که معنویات مورد لحاظ قرار دارد امیدواری، احساس خدمت به هم‌نوع، سازگاری و... مورد تأکید بیشتری خواهد بود. به‌طور کلی می‌توان گفت از دیدگاه مدیریت بحران، ساختار جامعه محلی به همراه تصمیم‌گیری غیرمتمرکز و مشارکتی توأم با اتحاد و پیوستگی جامعه و همکاری و اعتماد متقابل سبب پاسخی منطقی به سوانح و کاهش آسیب‌پذیری می‌شود [۴۶].

در این میان موقعیت جغرافیایی کشور ایران به‌گونه‌ای است که همواره تحت تأثیر حوادث و بلائیای طبیعی قرار داشته است؛ وقوع سیل‌ها، طوفان، خشک‌سالی و... طی سال‌های گذشته تلفات جانی و مالی بسیاری برای کشور به ارمغان آورده است [۴۷]. با توجه به اینکه حدود ۸۶ درصد از خاک کشور در مناطق زلزله‌خیز

واقع شده و بخش عمده‌ای از درآمد ناخالص ملی کشور صرف جبران هزینه‌های ناشی از بلایا می‌شود؛ بلایای طبیعی تنها در طی ۷ سال گذشته بیش از هزار و هفتصد و پنجاه میلیارد ریال خسارت به کشور وارد نموده‌اند [۴۸].

از سوی دیگر با وجود اینکه سیستم مدیریت بحران کشور، به دلیل مواجهه با بلایای طبیعی متعدد تجربه لازم را در این زمینه، داراست و معمولاً با استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد، بسیج مردمی و هلال احمر به کنترل بلایا می‌پردازد [۳]؛ اما متأسفانه در این زمینه موفقیت چندانی نداشته و با استانداردهای جهانی فاصله بسیاری دارد. اگرچه انتظار زندگی در یک محیط بدون خطر غیرواقعی است اما می‌توان از طریق به‌کارگیری استراتژی‌های مناسب پیش‌بینی و مدیریت صحیح بحران موجب کاهش خطر و آسیب‌پذیری شد [۴۹].

بنابراین مسئله برنامه‌ریزی و مدیریت بحران برای کاهش خسارات ناشی از بلایای طبیعی و سایر بحران‌های اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است [۵۰]. در بین استان‌های کشور، کرمان یکی از بلاخیزترین استان‌ها محسوب می‌شود. کرمان در کنار ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زیادی که در حوزه‌های تاریخی، گردشگری، معدن، صنعت و کشاورزی دارد از نظر میزان بروز حوادث طبیعی و غیرمترقبه در رده‌های نخست کشوری قرار گرفته است.

از ویژگی‌های این استان می‌توان به وسعت قابل توجه، وجود پستی‌ها و بلندی‌ها و شرایط خاص اقلیمی در نواحی مختلف اشاره کرد. از این رو تمامی فعل‌وانفعالات خشن و پیچیده طبیعی مربوط به آب‌وهوای خشک و کویری نظیر سرما و گرمای شدید، صاعقه، طوفان، سیلاب و ... را دارا است. از سوی دیگر بر اساس گزارش‌های کمیته اطلاع‌رسانی ستاد مدیریت حوادث استان کرمان، این استان با داشتن ۱۸ گسل فعال جزو

لرزه‌خیزترین استان‌های کشور است و وقوع زلزله‌هایی با شدت کمتر از ۳ ریشتر در این استان بسیار محتمل است و زمین‌لرزه‌های شدیدتر نیز در بازه‌های زمانی سالانه و ماهانه رخ می‌دهد [۵۱]؛ بنابراین مخاطرات طبیعی فراوانی در استان شایع بوده و هرساله خسارات فراوان جانی و مالی برای مردم منطقه به بار می‌آورد و این امر ضرورت به‌کارگیری رویکرد از پایین به بالا در مدیریت بحران در راستای کاهش آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد [۵۲].

در ادامه به چند مورد از جدیدترین این پژوهش‌های مرتبط با موضوع اشاره می‌شود.

صالحی نودز و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان ظرفیت‌سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع محور: بررسی نقش عوامل فرهنگی، به ارائه مدل مدیریت بحران اجتماع محور با استفاده از رویکرد فراترکیب پرداختند. طبق یافته‌های تحقیق، شاخص‌های استخراجی آنها در سه بعد قبل از بحران (آموزش و آگاهی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، مشارکت نظری، سرمایه معنوی) حین بحران (مشارکت عملی، ارتباطات، مدیریت احساسات مردم) و پس از بحران (خاطرات جمعی، مشارکت اجتماعی، رسانه جمعی و هویت بخشی) دسته‌بندی شدند. فاضلی کبریا و همکاران (۱۴۰۰)،

در پژوهشی باهدف بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری با تأکید بر نقش میانجی رفتار شهروندی سازمانی در برابر بلایای طبیعی به این نتیجه دست یافتند که ارتباط معنی‌داری بین تاب‌آوری شهروندان و سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ اما نقش متغیر رفتار شهروندی سازمانی به‌عنوان میانجی در این پژوهش تأیید نشد.

کریمی و تقی‌لو (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار با روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد

اجتماع محور، کاستی‌های رویکرد بالا به پایین را که در نشان دادن نیازهای محلی به دلیل غفلت از منابع بومی و ظرفیت‌ها شکست خورده است، ندارد و به دنبال کاهش آسیب‌پذیری مردم، اصلاح برنامه‌ریزی و مدیریت بحران است. رستگار و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی را باهدف سنجش نقش سرمایه معنوی بر تاب‌آوری با تأکید بر میانجیگری جو اخلاقی انجام دادند. یافته‌های آنها نشان از وجود رابطه مثبت بین سرمایه معنوی و تاب‌آوری داشت. برای و کرایت ۱۷ (۲۰۲۰)، در پژوهشی باهدف سنجش اثر حفظ آرامش و امیدواری در هنگام وقوع بحران به این نتایج دست یافتند که در شرایط بحرانی تلاش برای خونسردی به نظر رسیدن به خودی‌خود قابل‌تقدیر است، خوش‌بینی، اعتماد به توانایی‌های مردم، خودآگاهی شهروندان می‌تواند در رسیدن به این امر مؤثر باشد.

آزاد و همکاران ۱۸ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مدیریت بحران اجتماع محور و تأثیرات آن در کاهش ریسک مردم بنگلادش» به این نتایج دست یافتند که مشارکت فعال جوامع، تقویت فعالیت‌های آمادگی در برابر بلایای طبیعی و همچنین ظرفیت انطباقی و مقاومت مردمی از طریق به‌کارگیری رویکرد مبتنی بر جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. ریچاردلی و همکاران ۱۹ (۲۰۱۸)، در پژوهشی باهدف چگونگی دستیابی به تاب‌آوری در جوامع بحران‌زده به این نتایج رسیدند که اگرچه اندازه‌گیری تاب‌آوری در عمل به دلیل چالش‌های مفهومی و روش‌شناختی از جمله یافتن داده‌های قابل‌اعتماد و معنی‌دار، مشکل به نظر می‌رسد اما تلاش برای اندازه‌گیری تاب‌آوری در این تحقیق با توجه به دو فرضیه تحقیق، تحقق پیدا کرده است.

آزمون فرضیه اول ثابت کرد که انعطاف‌پذیری

یک متغیر اساسی برای اطمینان از بهبود سریع اقتصادی است و تأثیر منفی بر متغیر وابسته (مرگ‌ومیر) دارد. آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری اجتماعی در زمان وقوع رویداد ایجاد شده و افزایش می‌یابد؛ بنابراین می‌توان از ظرفیت‌های انعطاف‌پذیری اجتماعی در راستای بهبود آسیب‌های بعد از بحران استفاده کرد. گیانیسا و لی ۲۰ (۲۰۱۸)، در پژوهشی باهدف بررسی نقش سرمایه معنوی در واکنش و بازیابی پس از فاجعه، به این نتیجه دست یافتند که اعتقادات مذهبی موجب تقویت حس انسان‌دوستی می‌شود که به‌نوبه‌ی خود بهبود کارایی محلی را به دنبال دارد.

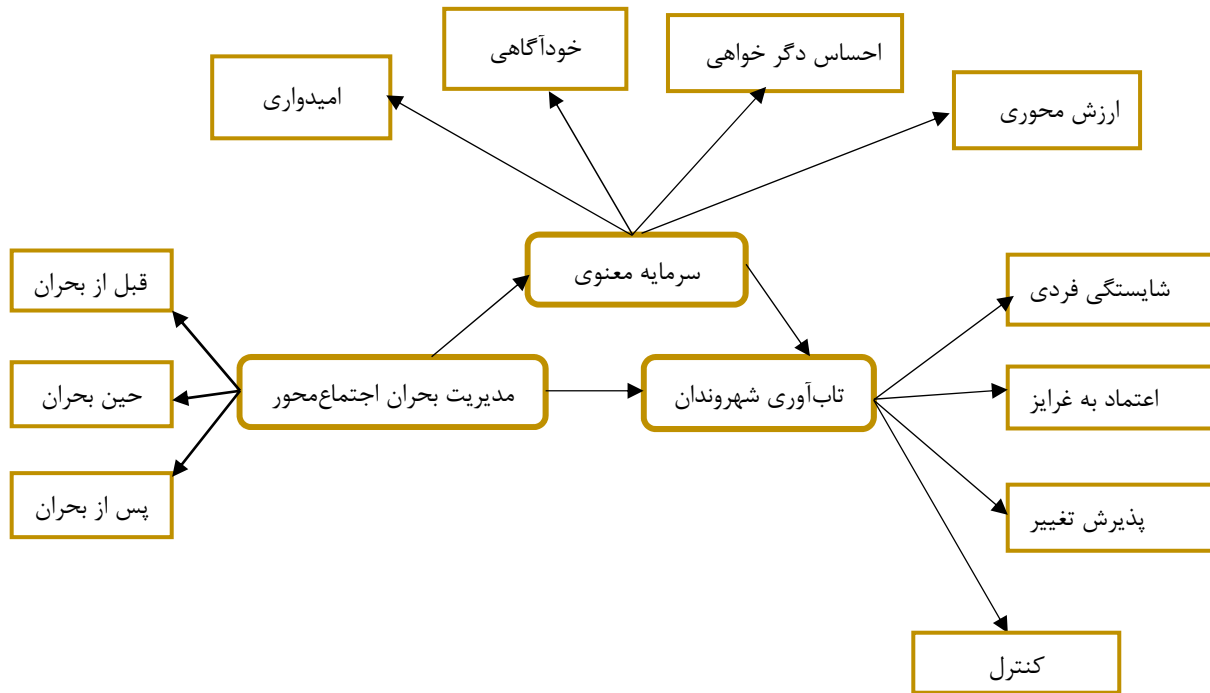
با توجه به مطالب پیش‌گفته ضروری است تمهیدات ویژه‌ای برای آمادگی در برابر بلایای احتمالی در استان کرمان اندیشیده شود. بررسی تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با متغیرهای تحقیق حاضر نشان می‌دهد که این سه متغیر در هیچ تحقیقی در قالب یک مدل ساختاری سنجش نشده‌اند؛ بنابراین با توجه به خلأ موجود و اهمیت بحث بلایای طبیعی در کشور ما و البته منطقه مورد مطالعه، در این پژوهش به بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب‌آوری شهروندان استان کرمان با نقش میانجی سرمایه معنوی پرداخته شده است.

تصویر ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.

درنهایت با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر است:

H1- مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب‌آوری شهروندان استان کرمان در برابر بلایای طبیعی تأثیر مثبت دارد.

H2- سرمایه معنوی بر تاب‌آوری شهروندان استان کرمان در برابر بلایای طبیعی تأثیر مثبت دارد.



تصویر ۱- مدل مفهومی پژوهش

میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات برای پاسخگویی و اعتبار سنجی مدل مفهومی تحقیق استفاده شد. در بررسی میدانی از سه پرسشنامه استفاده شد. به‌منظور سنجش متغیر مدیریت بحران اجتماع محور از پرسشنامه صالحی نودز و همکاران (۱۴۰۰) استفاده شد. این پرسشنامه با ۵۴ گویه و ابعاد قبل (آموزش و آگاهی، مشارکت نظری، سرمایه اجتماعی- فرهنگی، سرمایه معنوی)؛ حین بحران (مشارکت عملی، مدیریت احساسات مردم، ارتباطات)؛ بعد از بحران (مشارکت اجتماعی، رسانه جمعی، خاطرات جمعی، هویت بخشی)؛ بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) به سنجش متغیر مورد نظر می‌پردازد. به‌منظور سنجش میزان تاب‌آوری شهروندان از پرسشنامه استاندارد کونور و دیویدسون (۲۰۰۳)، استفاده شد. این پرسشنامه با ۲۵ گویه برای سنجش مؤلفه‌های تاب‌آوری (شایستگی فردی، اعتماد به غرایز، پذیرش مثبت تغییر و کنترل) در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) و پنج (کاملاً

H3- مدیریت بحران اجتماع محور بر سرمایه معنوی شهروندان استان کرمان تأثیر مثبت دارد. H4- سرمایه معنوی به شکل مثبتی در رابطه بین مدیریت بحران اجتماع محور و تاب‌آوری شهروندان استان کرمان نقش میانجی دارد.

۲- روش تحقیق و ابزارها

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی، از نظر اجرا توصیفی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شهروندان استان کرمان به‌صورت نامحدود (۳۱۶۴۷۱۸ نفر) در نظر گرفته شد که بر اساس فرمول کوکران و با احتساب خطای ۰,۰۰۵ تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

$$N = \frac{z^2 \times p \times q}{d^2} = \frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2} = 384.16$$

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات پژوهش از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. بدین ترتیب که از طریق بررسی مقالات خارجی و داخلی، مدل مفهومی تحقیق احصاء شد؛ از روش

جدول ۲- شاخص‌های ارزیابی پایایی پژوهش

متغیرهای پنهان	بار عاملی	اعتبار همگرا (AVE)	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	ضریب rho_A
مدیریت بحران اجتماع محور قبل از بحران حین بحران پس از بحران	0.781	۰.۶۸۸ ۰.۵۲۵ ۰.۷۰۲ ۰.۶۴۷	۰.۷۷۹	۰.۸۶۸ ۰.۸۵۰ ۰.۹۱۴ ۰.۹۳۲	۰.۷۸۸
تاب‌آوری اعتماد به غرایز کنترل فردی پذیرش تغییر شایستگی فردی	۰.۸۴۳ ۰.۶۸۳ ۰.۸۱۶ ۰.۸۳۵	۰.۶۳۵ ۰.۷۰۹ ۰.۶۱۲ ۰.۷۱۷ ۰.۵۹۳	۰.۸۰۶	۰.۸۷۴ 0.۷84 0.۹۳۱ 0.701 0.893	۰.۸۱۲
سرمایه معنوی امیدواری خودآگاهی دگر خواهی ارزش محوری	۰.۷۸۲ ۰.۹۱۴ ۰.۹۳۵ ۰.۹۰۸	۰.۷۸۶ ۰.۶۴۱ ۰.۷۲۷ ۰.۶۲۷ ۰.۶۸۳	۰.۹۰۹	۰.۹۳۶ ۰.۸۹۳ ۰.۷۶۴ ۰.۸۷۱ ۰.۹۳۹	۰.۹۳۱

درست)، نمره‌گذاری می‌شود. همچنین به‌منظور سنجش متغیر سرمایه معنوی، پرسشنامه شماره ۳ پژوهش توسط محقق از طریق بررسی مقالات مرتبط و استخراج شاخص‌ها طراحی شد. این پرسشنامه دارای چهار مؤلفه (امیدواری، خودآگاهی، احساس دگر خواهی و ارزش محوری) و ۱۲ گویه است که بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) سنجیده می‌شود.

به منظور سنجش روایی صوری و محتوایی از نظرات خبرگان و برای روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. همچنین برای سنجش پایایی ابزارهای پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای متغیرهای مکنون محاسبه شد (جدول ۲). برای سنجش پایایی درونی ابزارها نیز از روش فورنل و لارکر استفاده شد. همچنین برای اطمینان از نتایج روش فورنل و لارکر مبنی بر پایایی درونی ابزارهای پژوهش، روش HTMT در محیط نرم‌افزار اسمارت PLS

نسخه ۳ نیز مورد استفاده قرار گرفت (جدول ۳ و ۴). در پژوهش‌هایی که هدف، آزمون مدل خاصی از روابط بین متغیرهاست از تحلیل معادلات ساختاری (SEM)، استفاده می‌شود. این مدل رویکردی جامع برای آزمون فرضیات درباره روابط متغیرهای مشاهده‌شده و مکنون است. به این منظور برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از نرم‌افزار اسمارت PLS نسخه سه استفاده شد.

۳- بحث و نتایج

به‌منظور تحلیل فرضیات پیشنهادی از رویکرد PLS-SEM استفاده شد زیرا نتایج حاصل از این رویکرد قابلیت اطمینان بالایی دارد [۵۹]. به این صورت که مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و با بهره‌گیری از نرم‌افزار اسمارت PLS آزمون شد. تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری این امکان را دارد که هم مدل اندازه‌گیری و هم مدل

جدول ۳- نتایج حاصل از معیار فورنل و لارکر

مدیریت بحران اجتماع محور	سرمایه معنوی	تاب‌آوری	فورنل و لارکر
		۰,۷۹۷	تاب‌آوری
	۰,۸۸۷	۰,۴۸۶	سرمایه معنوی
۰,۸۲۹	۰,۴۰۸	۰,۷۵۱	مدیریت بحران اجتماع محور

جدول ۴- نتایج حاصل از معیار HTMT

مدیریت بحران اجتماع محور	سرمایه معنوی	تاب‌آوری	معیار HTMT
		۰,۵۵۹	تاب‌آوری
	۰,۴۵۶	۰,۶۰۹	مدیریت بحران اجتماع محور

بهنجار است که از تقسیم ساده خی- دو بر درجه آزادی مدل حاصل می‌شود. چنانچه این مقدار کوچک‌تر از ۲ باشد مطلوب است و اگر کوچک‌تر از ۵ باشد با اغماض قابل قبول است؛ بنابراین با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده برای این شاخص مقدار ۱,۵۲۶ تخمین زده شده است می‌توان گفت مدل در این شاخص مقدار قابل قبولی کسب کرده است.

شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز یکی دیگر از شاخص‌هایی است که به منظور بررسی برازش مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر مقدار این شاخص کمتر از ۰,۰۵ شود برازندگی مدل خوب است و اگر بین ۰,۰۵ و ۰,۰۸ باشد برازندگی مدل متوسط است. مقدار ۰,۰۲ محاسبه شده نشان از برازندگی خوب مدل در این معیار دارد. به طور سنتی از شاخص Good of fit index یا GFI نیز برای سنجش برازش مدل استفاده می‌شود؛ دامنه قابل قبول برای این شاخص مقدار ۰,۹ و بالاتر است و از آنجاکه مقدار محاسبه شده برابر با ۰,۹۵ است می‌توان برازش مدل از نظر این شاخص را نیز تأیید کرد. در ادامه شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) که معادل با کاربرد میانگین مجذورات به جای مجموع مجذورات در صورت و مخرج GFI است مورد بررسی قرار گرفت و از آنجاکه مقدار

ساختاری را به طور هم‌زمان آزمون کند. در مدل مستقیم اثر مؤلفه‌های مدیریت بحران اجتماع محور و سرمایه معنوی بر تاب‌آوری شهروندان سنجیده شد. در مدل غیرمستقیم نیز سرمایه معنوی در نقش میانجی بین متغیرهای مدیریت بحران اجتماع محور و تاب‌آوری شهروندان ظاهر می‌شود. در تحلیل معادلات ساختاری محقق بایستی قبل از تخمین پارامترها و تفسیر آنها از برازندگی مدل اطمینان حاصل کند. برازش حداقل مربعات جزئی (Model fit)، نشان می‌دهد تا چه میزان مدل نظری ارائه شده با مدل تجربی که توسط محقق اجرا شده، هماهنگی دارد. به طور کلی از شاخص‌های برازش برای سنجش شباهت میان منحنی‌های تجربی و نظری استفاده می‌شود. به منظور ارزیابی مدل درونی (ساختاری)، شاخص‌های برازش (جدول ۵) و به علاوه در راستای سنجش کیفیت مدل ساختاری از همبستگی استون-گیسر ۲۱ و شاخص Q2 استفاده شد.

اولین شاخصی که برای سنجش برازندگی مدل به کار گرفته شده است آماره خی ۲ است. آزمون خی ۲ شباهت یک مدل نظری با مدل تجربی را نشان می‌دهد؛ یکی از شاخص‌های عمومی برای به حساب آوردن پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص‌های برازش، شاخص خی-دو

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص	دامنه قابل قبول	مقدار محاسبه شده
X^2/df	۱-۵	۱,۵۲۶
RMSEA	کوچک‌تر از ۰,۰۵	۰,۰۲۱
GFI	بزرگ‌تر از ۰,۹	۰,۹۵
AGFI	بزرگ‌تر از ۰,۹	۰,۹۳
NFI	بزرگ‌تر از ۰,۹	۰,۹۱
NNFI	بزرگ‌تر از ۰,۹	۰,۸۹۱
IFI	بزرگ‌تر از ۰,۹	۰,۷۹۱
CFI	بزرگ‌تر از ۰,۹	۰,۹۱

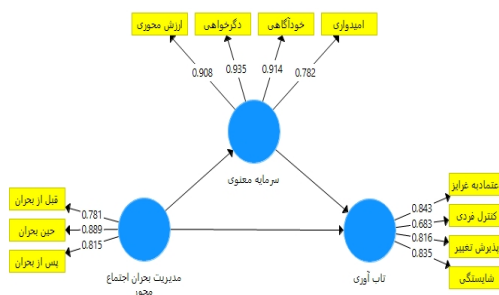
جدول ۶- نتایج معیار Q^2 برای سازه‌های پژوهش

سازه‌ها	SSO	SSE	$Q^2(=1-SSE/SSO)$
مدیریت بحران اجتماع‌محور	۳۰۰,۰۰۰	۱۹۱,۵۵۱	۰,۳۶۱
تاب‌آوری	۴۰۰,۰۰۰	۲۴۶,۲۱۸	۰,۳۸۴
سرمایه معنوی	۴۰۰,۰۰۰	۱۶۲,۶۳۵	۰,۵۹۳

قابل قبول برای این شاخص نیز ۰,۹۰ و بیشتر است، مقدار ۰,۹۳ محاسبه شده نشان از برازش مدل دارد.

شاخص NFI یا Normal Fit Index که شاخص بنتلر-بونت هم نامیده می‌شود برای مقادیر بالای ۰,۹ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است. با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده برای این شاخص مقدار ۰,۹۱ است می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص برازش هنجار نشده (NNFI)، توسط بنتلر و بونت ارائه شد و مقدار بالای ۰,۹ برای آن قابل قبول در نظر گرفته شد. مقدار ۰,۸۹۱ برای برازش مدل حاضر تخمین زده شد. یکی دیگر از شاخص‌های برازش تطبیقی شاخص IFI است که دامنه بیشتر از ۰,۹۰ برای آن قابل قبول بوده و مقدار ۰,۸۲۰ محاسبه برای مدل محاسبه شد. شاخص برازش تطبیقی یا CFI توسط بنتلر ارائه شد. این شاخص برای مقادیر بالای ۰,۹ قابل قبول است بنابراین مقدار ۰,۹۱ محاسبه شده حاکی از برازندگی مدل است.

بنابراین در مجموع با ارزیابی کلی شاخص‌های برازش از هشت شاخص بررسی شده فقط دو شاخص در دامنه قابل قبول قرار نگرفته و نزدیک به مقدار مناسب بودند، می‌توان گفت مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی استون-گیسر در تمامی متغیرها مثبت شده است و این متناسب بودن ضریب اندازه‌گیری را نشان می‌دهد.



تصویر ۲- مدل اصلی پژوهش در حالت ضرایب استاندارد

۲۳۹

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوفصلنامه
علمی و پژوهشی



شهر وندان در برابر بلایای طبیعی ... / محمد قاسمی
بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع‌محور بر تاب‌آوری

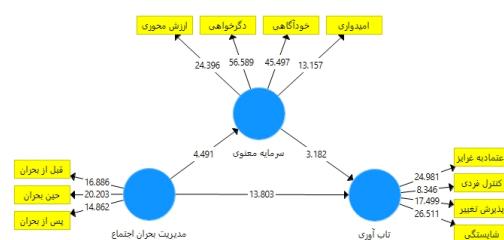
جدول ۸- آزمون سوبل برای متغیر میانجی تحقیق

فرضیات میانجی		بتا	آزمون سوبل	
مدیریت بحران اجتماع محور		۰,۲۹۶	آماره سوبل	سطح معناداری (Sig)
سرمایه معنوی تاب آوری				
			وضعیت	تائید

$t > 1.96$ Significant at $P < 0.05$, $t > 2.58$ Significant at $P < 0.01$

اجتماع محور بر متغیر سرمایه معنوی، با توجه به اینکه ضریب مسیر استاندارد شده برابر با ۰,۴۶ و سطح معناداری ۴,۴۹۱ می توان گفت متغیر مدیریت بحران اجتماع محور می تواند متغیر سرمایه معنوی را تحت تأثیر قرار داده و آن را تبیین نماید. همچنین ضریب تعیین نشان می دهد که ۴۹٪ از تغییرات سرمایه معنوی توسط متغیر مدیریت بحران اجتماع محور تبیین می شود. در فرضیه چهارم نقش میانجی سرمایه معنوی در رابطه ی میان مدیریت بحران اجتماع محور و تاب آوری بررسی شد. یکی از روش های پر کاربرد برای این منظور آزمون سوبل ۲۲ است. آزمون سوبل، رویکرد حاصل ضرب ضرایب، روش دلتا یا رویکرد نظریه نرمال هم نامیده می شود. به طور کلی، در آزمون سوبل می توان از تخمین نرمال برای بررسی معناداری رابطه استفاده کرد. اگر آماره z-value از ۱,۹۶ بیشتر باشد، می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن تأثیر متغیر میانجی را تأیید نمود.

نتایج حاصل از روش سوبل نشان می دهد اثر غیرمستقیم مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب آوری شهروندان با نقش میانجی سرمایه معنوی برابر ۰,۲۹۶ است و مقدار آماره سوبل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار شده است ($sobel=9.632, Sig=0.001 < 0.05$). در نتیجه فرضیه چهارم تحقیق تأیید می شود. مقدار مثبت بتا (۰,۲۹۶)، مثبت بودن این اثر را نشان می دهد.



تصویر ۳- مدل اصلی پژوهش در حالت ضرایب معناداری

در نهایت نتایج آزمون فرضیات مستقیم پژوهش در جدول ۷ ارائه شده است.

مقدار پارامترهای برآورد شده در جدول ۴ نشان می دهد تا چه حد روابط پیش بینی شده قوی است. برای سنجش معناداری مدل از آماره t-value استفاده شد؛ که اگر بزرگ تر از ۱/۹۶ یا کوچک تر از ۱/۹۶- باشد، در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان از معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول ۴، تأثیر مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب آوری، با ضریب مسیر استاندارد شده برابر با ۰,۴۵ و سطح معناداری ۱۳,۸۰۳، به طور مثبت و معناداری تأیید می شود. همچنین ضریب تعیین (R^2) نشان می دهد که ۵۲٪ از تغییرات متغیر تاب آوری توسط مدیریت بحران اجتماع محور تبیین می شود. آزمون فرضیه دوم مبنی بر تأثیر سرمایه معنوی بر متغیر تاب آوری، با توجه به این که ضریب مسیر استاندارد شده برابر با ۰,۸۵ و سطح معناداری ۳,۱۸۲، می توان گفت متغیر سرمایه معنوی می تواند متغیر تاب آوری را تحت تأثیر قرار داده و آن را تبیین نماید. همچنین ضریب تعیین (R^2) نشان می دهد که ۶۳٪ از تغییرات متغیر تاب آوری به وسیله سرمایه معنوی تبیین می شود. آزمون فرضیه سوم مبنی بر تأثیر مدیریت بحران

۴- نتیجه گیری

نگرش نسبت به بلایای طبیعی و نحوه‌ی برخورد با آنها در بیست سال اخیر دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است. به نحوی که رویکرد غالب از تمرکز بر کاهش آسیب‌پذیری بعد از بحران به افزایش سازگاری شهروندان (تاب‌آوری) و همچنین توانمندسازی جوامع محلی تغییر پیدا کرده است. از سوی دیگر از آنجاکه خلق و گسترش جامعه تاب‌آور در مسیر نیل به اهداف توسعه پایدار از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، برنامه‌های کاهش خطر بایستی به دنبال افزایش مشارکت مردمی و درنهایت خلق جامعه تاب‌آور باشند. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع‌محور بر تاب‌آوری شهروندان با نقش میانجی سرمایه معنوی می‌پردازد.

با توجه به نتایج آزمون‌های آماری کلیه فرضیات پژوهش مورد تأیید است و یافته‌ها نشان می‌دهد که مطابق فرضیه اول هراندازه که مؤلفه‌های اجتماع‌محوری در بحران تقویت شود عملاً تاب‌آوری شهروندان در برابر بلایای طبیعی بیشتر می‌شود. در استان کرمان به‌عنوان یکی از مستعدترین مناطق از منظر بلایای طبیعی توانمندسازی مردم به منظور ارتقای تاب‌آوری از عوامل موفقیت ارگان‌های مرتبط با بحران محسوب می‌شود چراکه هر چه مردم منطقه توانمندتر شوند آسیب‌پذیری کمتر می‌شود. از سوی دیگر هزینه کردن در راستای ارتقای مؤلفه‌های مدیریت بحران اجتماع‌محور نظیر برگزاری دوره‌های آموزشی برای مردم منطقه، ارتقای آگاهی منطقه به طرق مختلف، برگزاری مانورهای آمادگی و... عاقلانه به نظر می‌رسد چراکه هر چه مردم مشارکت بیشتری داشته باشند عملاً تاب‌آورتر و توانمندتر شده و این به‌نوبه خود هزینه‌های آتی حوادث را کاهش

می‌دهد. نتایج مذکور از فرضیه اول پژوهش با یافته‌های حسینی و همکاران (۲۰۱۷) که در پژوهش خود تاب‌آوری را یکی از عوامل مؤثر در رویکرد مدیریت بحران اجتماع‌محور و همچنین ریچاردلی و همکاران (۲۰۱۸) که در پژوهش خود بر نقش مهم تاب‌آوری در فرایند مدیریت بحران تأکید داشتند همسو است.

بر مبنای فرضیه دوم هراندازه مؤلفه‌های سرمایه معنوی در مردم بیشتر باشد موجب ارتقای تاب‌آوری در آنها می‌شود. توجه به سرمایه معنوی به‌عنوان نوع خاص و متفاوت از سایر سرمایه‌ها که با مؤلفه‌هایی نظیر امیدواری، خودآگاهی، دگرخواهی و ... شناخته می‌شود از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. هراندازه که سرمایه معنوی بین مردم بیشتر شود هم‌فکری، همکاری، سازگاری و درنهایت تاب‌آوری و حفظ آرامش در هنگام وقوع بلایا افزایش می‌یابد. معنویت در هنگام وقوع بلایای طبیعی بر انگیزه فرد اثر می‌گذارد و نیز عامل درگیر کننده آگاهی درونی فرد محسوب می‌شود. این عامل باعث خلق حس وابستگی، تسهیم قدرت، انعطاف‌پذیری و اعتماد شده و به افراد در کسب انرژی و انگیزه برای استفاده از استعدادها و توانایی‌هایشان یاری می‌بخشد. توجه به ارزش‌ها، همبستگی و همدلی در سرمایه معنوی حائز اهمیت است.

به گفته اسمیت و همکاران (۲۰۱۳)، تاب‌آوری را می‌توان یکی از نتایج سرمایه معنوی دانست چراکه معنویت باعث می‌شود افراد تلاش کنند مشکلاتی که از بیرون بر آنها تحمیل می‌شود را از بین ببرند و درنهایت به تاب‌آوری دست یابند. هفشجانی و احمدی (۱۳۹۴)، بین مؤلفه‌های هوش معنوی و تاب‌آوری رابطه معنادار و مثبت یافتند. همچنین فلمینگ و لدوگر (۲۰۰۸)، خسروی و نیکمنش (۲۰۱۴)، کیم و اسکوتیل (۲۰۱۱) در پژوهش‌های خود به رابطه

۲۴۱

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲
دوفصلنامه
علمی و پژوهشی



شهر وندان در برابر بلایای طبیعی ... / محمد قاسمی
تأثیر مدیریت بحران اجتماع‌محور بر تاب‌آوری

مثبت بین معنویت و تاب‌آوری دست یافتند.

بر اساس فرضیه سوم پژوهش مدیریت بحران اجتماع‌محور بر سرمایه معنوی شهروندان تأثیر دارد. هرچه شاخص‌های اجتماع‌محور در بحران نظیر مشارکت شهروندان بیشتر مورد توجه قرار گیرد عملاً سازگاری، امیدواری، همبستگی و ... در بین شهروندان افزایش می‌یابد. همچنین توجه و اعتقادات مذهبی عملاً موجب افزایش حس انسان‌دوستی و توجه به هم نوع شده و مشارکت و همیاری بیشتر در هنگام بلایا را موجب می‌شود. نتایج این فرضیه با مطالعه براسی و کرایت (۲۰۲۰) که به نقش مؤثر خوش‌بینی، اعتماد به مردم، حفظ آرامش و خونسردی در هنگام بحران تأکید داشتند و همچنین گیانیسا ولی (۲۰۱۸) که به نقش بارز اعتقادات و اعمال دینی در واکنش و بازیابی پس از بحران تأکید داشتند، همخوانی دارد.

بر مبنای فرضیه چهارم پژوهش سرمایه معنوی در رابطه بین دو متغیر مدیریت بحران اجتماع‌محور و تاب‌آوری نقش میانجی دارد. بر این اساس می‌توان از طریق تقویت اعتقادات و باورهای دینی، حس انسان‌دوستی، اعتماد به توانایی‌های شهروندان، حس تأثیرگذاری موجب ارتقای تاب‌آوری شهروندان در برابر بحران شد که این خود موجب توانمندسازی بیشتر آنها می‌شود. جامعه تاب‌آور، بدون نشان دادن استرس و با حفظ آرامش و خونسردی با حوادث برخورد می‌کند و جامعه‌ای که شهروندانش احساس هویت، وابستگی، انسجام بیشتری دارند نسبت به سایر جوامع تاب‌آورتر شده و عملاً آسیب‌پذیری کمتری را تجربه می‌کند. از سوی دیگر سرمایه معنوی می‌تواند موجب ارتقای مؤلفه‌های مدیریت بحران اجتماع‌محور شده و میل افراد به مشارکت را در تمامی مراحل بحران افزایش دهد که این خود موجب می‌شود افراد منافع جامعه را بر منافع شخصی در هنگام برخورد با حادثه ترجیح دهند و

در نتیجه آسیب‌پذیری آنها کاهش می‌یابد. از آنجا که خروجی یک مطالعه باید چراغ راهی برای مطالعات آتی باشد، با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

با توجه به تائید رابطه مثبت بین مدیریت بحران اجتماع‌محور و تاب‌آوری شهروندان می‌توان گفت: از آنجا که مشارکت در توانمندسازی اجتماع‌محور اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد بایستی اقداماتی در راستای برداشتن موانع در برابر مشارکت انجام شود. مشارکت خوب مشارکتی است که داوطلبانه بوده و مسئولیت‌پذیری با آن همراه باشد لذا بایستی برنامه‌های آموزش کلان در آموزش و پرورش گنجانده شود. توزیع کتابچه‌های راهنما برای آموزش در برابر بلایا، ارتقای یادگیری تجربی که لازمه آن فراتر رفتن از آموزش نظری و ظرفیت‌سازی عملی است از اهمیت زیادی برخوردار بوده و موجب ارتقای تاب‌آوری شهروندان می‌شود.

با توجه به فرضیه دوم پژوهش و تائید آن مبنی بر تأثیر مثبت سرمایه معنوی بر تاب‌آوری شهروندان پیشنهاد می‌شود: در نظر گرفتن برنامه‌هایی به منظور ارتقای خودآگاهی شهروندان توسط ارگان‌های مرتبط، تقویت حس توجه به هموع با تأکید بر آموزه‌های معنوی و دینی، افزایش حس امیدواری و توکل به خداوند در هنگام وقوع بلایا توسط ارگان‌هایی نظیر صداوسیما و ترویج در آموزش و پرورش عواملی هستند که می‌توانند از طریق سرمایه معنوی موجب تقویت تاب‌آوری شهروندان شوند.

فرضیه سوم پژوهش وجود تأثیر مثبت بین مدیریت بحران اجتماع‌محور و سرمایه معنوی را مورد تائید قرار می‌دهد. سازمان‌های مرتبط نظیر استانداری‌ها می‌توانند با اختصاص دادن بخشی از بودجه خود به تقویت آمیزه‌های معنوی در بین شهروندان به‌نوعی امیدواری، اعتقاد به خداوند و توکل و حفظ آرامش و خونسردی را در آنها ترویج

Science: Materials in Electronics, 29(3), 1719-1747.

۴. رضایی راد، هادی؛ کاظمی، داوود. (۱۳۹۹). بازشناسی ضرورت مدیریت اجتماع محور بحران جهت کاهش آسیب پذیری در بحران زلزله. مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۳۳، صص ۶۳-۷۸.

5. Soltani, T., Baghianimoghadam, M. H., Ehrampoush, M. H., Baghian, N., & Jafari, A. (2016). Knowledge, attitude, and performance of nurses' crisis management in natural disasters in Yazd city. *Journal of Community Health Research*, 5(3), 195-201.

۶. صالحی نودز، اسما؛ یعقوبی، نورمحمد و کیخا، عالمه. (۱۴۰۰). ظرفیت سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع محور: بررسی نقش عوامل فرهنگی. مدیریت بحران، شماره ۱۰، دوره دوم، صص ۶۹-۵۷.

7. Ali, M. S. S., Arsyad, M., Kamaluddin, A., Busthanul, N., & Dirpan, A. (2019, February). Community based disaster management: Indonesian experience. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 235, No. 1, p. 012012). IOP Publishing.

8. Handmer, J., & Dovers, S. (2012). *The handbook of disaster and emergency policies and institutions*. Earthscan.

9. Twigg, J. (2009). Characteristics of a disaster-resilient community: a guidance note (version 2).

10. Turner, J. H., & Turner, J. H. (2010). The micro basis of the meso and macro social realms. *Theoretical Principles of Sociology, Volume 2: Microdynamics*, 271-301.

11. McAslan, A. (2011). Community resilience: Understanding the concept and its application. *Torrens Resilience Institute, Adelaide*.

12. FEMA (2011) A whole community approach to Emergency Management: Principles, Themes, and Pathways for Action FDOC 104-008-1.

13. Haque, C. E., & Uddin, M. S. (2013). Disaster management discourse in Bangladesh: a shift from post-event response to the preparedness and mitigation approach through institutional partnerships. In *Approaches to Disaster Management-Examining the Implications of Hazards, Emergencies and Disasters*. IntechOpen.

کنند. این امر به خصوص در دوره پس از حادثه بیشتر نمایان می شود.

با توجه به تأیید تأثیر مثبت سرمایه معنوی بر تاب آوری شهروندان و مدیریت بحران اجتماع محور پیشنهاد می شود: افزایش روابط چهره به چهره و نزدیک اهالی با یکدیگر و تقویت روابط همسایگی به منظور افزایش تمایل آنها به کمک به همدیگر در هنگام بلایا از طریق برگزاری مراسم های گروهی در محله که موجب افزایش شناخت افراد از همدیگر می شود. همچنین ارتقا ارتباطات در منطقه و تقویت حس همیاری و کمک به همنوع را نیز از طریق فرهنگ سازی نظیر پخش بروشور و یا بهره گیری از رسانه جمعی و آموزش کودکان در مهدکودک ها و مدارس می توان تاب آوری را در منطقه ارتقا داد. در نهایت باید گفت در پژوهش حاضر تنها متغیر سرمایه معنوی را به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است و قطعاً متغیرهای دیگری نیز هستند که در این رابطه می توانند مؤثر واقع شوند. پیشنهاد می شود سایر متغیرهای تعدیل گر نیز مورد توجه قرار گیرند.

۶- منابع

1. Norris, F. H., Friedman, M. J., & Watson, P. J. (2002). 60,000 disaster victims speak: Part II. Summary and implications of the disaster mental health research. *Psychiatry: Interpersonal and biological processes*, 65(3), 240-260.

۲. پوراحمد، احمد؛ نجفی، اسماعیل؛ عباسی فلاح، وحید؛ حیدری، اصغر؛ ۱۳۹۸، اولویت بندی تأثیر مؤلفه های سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در نوسازی بافت های شهری؛ نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری؛ شماره بیستم، ۷۳-۵۱.

3. Mousavi, M., Habibi-Yangjeh, A., & Pouran, S. R. (2018). Review on magnetically separable graphitic carbon nitride-based nanocomposites as promising visible-light-driven photocatalysts. *Journal of Materials*

۲۴۳

شماره ۲۳

بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه

علمی و پژوهشی



بررسی تأثیر مدیریت بحران اجتماع محور بر تاب آوری شهروندان در برابر بلایای طبیعی ... / محمد قاسمی

- interdependence of urban retail areas. *Cities*, 36, 121-130.
29. Ribeiro, P. J. G., & Gonçalves, L. A. P. J. (2019). Urban resilience: A conceptual framework. *Sustainable Cities and Society*, 50, 101625.
30. Patel, R. B., & Gleason, K. M. (2018). The association between social cohesion and community resilience in two urban slums of Port au Prince, Haiti. *International journal of disaster risk reduction*, 27, 161-167.
31. Li, Y., Li, Y., Kappas, M., & Pavao-Zuckerman, M. (2018). Identifying the key catastrophic variables of urban social-environmental resilience and early warning signal. *Environment international*, 113, 184-190.
32. Mohebati Zohan, H., Yaghoubi, N. M., Mohammadi, M., & Mahmoudzadeh Washan, M. (2020). Designing a Phased Model of Crisis Management with the Empowerment Approach of Local Communities Using Meta-synthesis Approach. *Journal of Public Administration*, 12(2), 175-203.
33. Richtner, A., & Löfsten, H. (2014). Managing in turbulence: how the capacity for resilience influences creativity. *R&D Management*, 44(2), 137-151
34. Mohammadi, A., & Pashazadeh, A. (2017). Measurement of urban resilience against the risk of earthquake incidence Case study: Ardebil City. *Researches in Earth Sciences*, 8(2), 112-126.
۳۵. فاضلی کبریا، حامد؛ شفقت، ابوطالب؛ بهمنی، اکبر، ۱۴۰۰، تأثیر سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری با نقش میانجی رفتار شهروندی سازمانی در بحران‌ها (مورد مطالعه: کارکنان جمعیت هلال‌احمر استان کرمانشاه)، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت بحران، شماره نوزدهم، ۷۴.
36. Middlebrooks, A., & Noghiou, A. (2007). Developing the service orientation for spiritual capital: Leadership capacity for bridging sectors. *Leading the future of the public sector: The Third Transatlantic Dialogue University of Delaware, Newark, DE*, 1-20.
37. Zohar, D., & Marshall, I. (2004). *Spiritual capital: Wealth we can live by*. Berrett-Koehler Publishers.
38. Liu, A. (2012). Index correlation, measurement reliability and biased estimation. *RM Application Papers*. (Downloaded 13 December 2005). Stable URL: <http://www.research-methods.org/democracy-indicators.pdf>.
14. Chen et al. (2006) Integrated Community-Based Disaster Management Program in Taiwan: a case study of Shang-An Village Natural Hazards 37, pp. 209-223.
15. UNISDR, U. (2009). Making Disaster Risk Reduction Gender Sensitive: Policy and Practical Guidelines
16. O'Brien, G., & O'Keefe, F. (2014). Managing adaptation to climate risk beyond fragmented responses. Oxon: Routledge.
17. Khan, M. R., & Rahman, M. A. (2007). Partnership approach to disaster management in Bangladesh: A critical policy assessment. *Natural Hazards*, 41(2), 359-378.
18. Linnell, M. (2013). Community approaches involving the public in crisis management: a literature review.
19. SalehiNodez, A., Yaghoubi, N. M., & Keikha, A. (2022). The effect of community-based crisis management on the resilience to disasters with the mediating role of social capital. *International Journal of Human Capital in Urban Management*, 7(2).
20. Nguyen, H. L., & Akerkar, R. (2020). Modelling, measuring, and visualising community resilience: A systematic review. *Sustainability*, 12(19), 7896.
21. Cutter, S. L. (2016). Resilience to what? Resilience for whom?. *The Geographical Journal*, 182(2), 110-113.
22. Liao, K. H. (2012). A theory on urban resilience to floods—a basis for alternative planning practices. *Ecology and society*, 17(4).
23. Meerow, S., & Newell, J. P. (2019). Urban resilience for whom, what, when, where, and why?. *Urban Geography*, 40(3), 309-329.
24. Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems. *Annual review of ecology and systematics*, 4(1), 1-23.
25. Bolzan, N., & Gale, F. (2018). Social resilience: Transformation in two Australian communities facing chronic adversity. *International Social Work*, 61(6), 843-856.
26. Wardekker, A. (2020) Framing 'resilient cities': System versus community focused interpretations of urban climate resilience. *Urban Resilience: Methodologies, Tools and Evaluation*; Springer: Cham, Switzerland.
27. Speranza, C. I., Wiesmann, U., & Rist, S. (2014). An indicator framework for assessing livelihood resilience in the context of social-ecological dynamics. *Global Environmental Change*, 28, 109-119.
28. Kärholm, M., Nylund, K., & de la Fuente, P. P. (2014). Spatial resilience and urban planning: Addressing the

تکنیک AHP و GIS (مطالعه موردی: شهر بابک); مجله مخاطرات محیط طبیعی، دوره ۷، شماره ۱۶، صص ۸۸-۶۵.

۵۲. صالحی نودز، اسما؛ یعقوبی، نورمحمد و کیخا، عالمه. (۱۴۰۱). سنجش و اعتبار یابی مدل مدیریت بحران اجتماع محور بر اساس تکنیک سوآرا (مورد شناسی: استان کرمان). جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، دوره یازدهم، شماره ۴۰، صص ۲۳۷/۲۸۰.

۵۳. کریمی، خدیجه؛ تقی لو، علی‌اکبر. (۱۳۹۹). مدیریت بحران اجتماع محور راهی به سوی توسعه پایدار. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۴۵-۶۱.

۵۴. رستگار، عباسعلی؛ درویش، حسن، خلیلی، مینا؛ نوده فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). بررسی نقش سرمایه معنوی بر تاب‌آوری سازمانی، با تأکید بر میانجی‌گری جو اخلاقی. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۲-۱.

55. Brassey, J., & Kruyt, M. (2020). How to demonstrate calm and optimism in a crisis. *McKinsey & Company*, 11(2), 112-131.

56. Azad, M. A. K., Uddin, M. S., Zaman, S., & Ashraf, M. A. (2019). Community-based disaster management and its salient features: a policy approach to people-centred risk reduction in Bangladesh. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, 29(2), 135-160.

57. Ricciardelli, A., Manfredi, F., & Antonicelli, M. (2018). Impacts for implementing SDGs: sustainable collaborative communities after disasters. The city of Macerata at the aftermath of the earthquake. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 18(4), 594-623.

58. Gianisa, A., & Le De, L. (2018). The role of religious beliefs and practices in disaster: The case study of 2009 earthquake in Padang city, Indonesia. *Disaster Prevention and Management*, 27(1), 74-86.

59. Henseler, Jörg and Wynne W. Chin (2010). A Comparison of Approaches for the Analysis of Interaction Effects Between Latent Variables Using Partial Least Squares Path Modeling, *Structural Equation Modeling*, 17 (1), 82-109.

39. Hill, P. C., & Pargament, K. I. (2008). Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality: Implications for physical and mental health research.

40. Vasconcelos, A. F. (2021). Individual spiritual capital: meaning, a conceptual framework and implications. *Journal of Work-Applied Management*, 13(1), 117-141.

41. Baker, C., & Skinner, H. (2006). Faith in action. *Manchester: William Temple Foundation*.

42. Amoozesh, N., Mohseni, A., & Ghasemi, M. (2023). Accountants and Auditors' Spiritual Capital Pattern Planning Using Grounded Theory Approach. *International Journal of Finance & Managerial Accounting*, 8(29), 185-194.

43. Verter, B. (2003). Spiritual capital: Theorizing religion with Bourdieu against Bourdieu. *Sociological theory*, 21(2), 150-174.

44. Rima, S. D. (2012). Spiritual Capital: A Moral Core for Social and Economic Justice, Farnham, UK: Gower.

۴۵. بدخشانی، فیروز؛ و پیروی، سعید. (۱۳۹۴). سرمایه معنوی و تأثیر آن بر عملکرد سازمان. تهران: نشر مهربان.

46. Neal, D. M., & Phillips, B. D. (1995). Effective emergency management: Reconsidering the bureaucratic approach. *Disasters*, 19(4), 327-337.

47. Ajami, S., & Fattahi, M. (2009). The role of earthquake information management systems (EIMSS) in reducing destruction. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*.

۴۸. درودی، هما؛ سپهری فر، حسن. (۱۳۹۸). ارزیابی مدیریت بحران در ایران بر مبنای مدل لیتل جان (بررسی موردی سیل فروردین ۱۳۹۸ لرستان، مازندران و زلزله ۱۳۹۶ کرمانشاه)، دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره ۹، شماره ۴، صص ۳۹۳-۴۰۲.

49. Boukri, M., Farsi, M. N., Mebarki, A., Belazougui, M., Ait-Belkacem, M., Yousfi, N & Amellal, O. (2018). Seismic vulnerability assessment at urban scale: Case of Algerian buildings. *International journal of disaster risk reduction*, 31, 555-575.

50. Hosseini, M. (2008). Crisis Management. Institute of Sepehr Publication, 1st edition.

۵۱. رحیمی، محمد؛ افشاری پور، نوشین. (۱۳۹۷). جانمایی پایگاه‌های پشتیبانی مدیریت بحران با استفاده از